

مطالعه تاثیر مهارتهای فردی و پیشگیری وضعی پلیس در تکرار جرم (مطالعه موردی در یاسوج)

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۴/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۶/۱۸)

حامد حدادی^۱

دانشجو کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد واحد یزد

محمد مهدی صالحی طیبلو^۲

گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج.

چکیده

زمینه و هدف: امروزه پلیس با بهره گیری از علوم مختلفی از جمله پیشگیری وضعی، مهارت های فردی، دانش و تخصص، جرایم را می تواند تشخیص دهد و تحلیل کند و راهکارهایی برای رفع آنها ارائه دهد و از این رهگذر عملکرد خود را نیز ارزیابی کند. هدف این پژوهش، بررسی تاثیر مهارت های فردی و پیشگیری وضعی پلیس در عدم تکرار جرم می باشد.

روش شناسی: تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی از نوع توصیفی - تحلیلی می باشد. جامعه آماری پژوهش، کارکنان ناجا استان کهگیلویه و بویراحمد است که از طریق نمونه گیری تصادفی ساده و فرمول کوکران یک نمونه ای ۲۰۰ نفری از آنها انتخاب گردید. ابزار جمع آوری داده ها پرسشنامه است. در این پژوهش، دو پرسشنامه - که تاثیر مهارت های پلیس (۱۶

۱- نویسنده مسئول

^۲ Hamedhadadi۱۷۱۷۱۹۱۹@gmail.com

سوال)؛ تاثیر پیشگیری وضعی پلیس (۱۵سوال) را بر روی تکرار جرم با طیف ۵گزینه ای لیکرت می سنجد، تدوین گردید. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه توسط ۵ نفر از خبرگان مورد تأیید قرار گرفت و روایی سازه آن توسط تحلیل عامل تأییدی با نرم افزار مورد بررسی و تایید قرار گرفت. پایایی پرسشنامه نیز با آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به تأیید رسید. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روشهای آمار توصیفی، آزمون کولموگروف اسمیرنوف، آزمون فریدمن، تی-استیودنت در نرم افزار (v.spss.۲۳) استفاده شد.

یافته ها و نتیجه گیری: نتایج آزمون تی -استیودنت یک طرفه نشان داد که هم مهارت های فردی و هم پیشگیری وضعی پلیس تاثیر مثبت معناداری بر روی تکرار جرم دارد. همچنین نتایج آزمون فریدمن نشان داد که مهارت های فردی با میانگین رتبه ۳/۷۷ تاثیر بیشتری در عدم تکرار جرم نسبت به پیشگیری وضعی دارد.

واژگان کلیدی: مهارت فردی، پیشگیری، پیشگیری وضعی، جرم، تکرار جرم، پلیس

مقدمه

تعریف جرم متأثر از روش بحثی است که در رشته مربوطه اتخاذ می گردد. در رشته هایی مانند جامعه شناسی و جرم شناسی که مبتنی بر روش تحقیق عمدتاً تجربی و استقرایی هستند، تعریف جرم نیز از این روش تبعیت می کند، اما در حقوق کیفری که با محوریت قانون تبیین می شود، تعریف جرم با چالش جدی مواجه است و احتمالاً تعریفی مصنوعی و از پیش تعیین شده در انتظار واژه "جرم" است؛ به گونه ای که تعریف یا عدم تعریف آن در حقوق کیفری یکسان است. این ادعا مستلزم طرح دو بحث مقدماتی در ارتباط با جرم است: ابتدا راجع به لزوم تعریف جرم و سپس چگونگی تعریف آن ماهیت یا چیستی جرم با تعریف آن و بیان ارکان

تشکیل دهنده و شرایطش تبیین می شود که در این میان، شناخت دقیق و مناسب (و نه تعریف جامع و مانع، چون امکان پذیر نیست) نقطه شروع شناخت جرم و کلید اصلی مراحل بعدی است و از آنجا که ارکان جرم و شرایط آن عمدتاً در چارچوب منابع حقوق کیفری طرح می شود، در مقابل تعریف جرم چون مستظهر به مطالعات میان رشته ای است، در حصار این منابع قرار نداشته و در نتیجه تعاریف آن نیز متنوع است. تعریف جرم همچون روند تعریف پدیده های دیگر، در دو مرحله که در طول هم قرار دارند، صورت می گیرد: ریشه و منشأ پدیده در قالب معنای لغوی و کاربرد نظری و عملی آن بر حسب رشته در قالب معنای اصطلاحی.

بخش اول: تعریف مفهومی تکرار جرم

ارائه تعریف مفهومی تکرار جرم چندان مشکل نیست. چنین تعریفی از تکرار جرم علی الاصول ناظر به قانون گذاری کیفری و اجرای مقررات راجع به تکرار جرم در مرحله صدور حکم یا اجرای مجازات هاست که به وسیله قضات و نهادهای ذیربط مدنظر قرار می گیرد. مفهوم تکرار که معادل انگلیسی آن (Recidivism) و معادل عربی آن «عود» است از واژه لاتین (Recidere) مشتق می شود که به معنی سقوط مجدد است. در این معنی تکرار جرم به عنوان یک موضوع حقوق کیفری عبارت از بازگشت یک فرد به ارتکاب رفتار جنایی است، بعد از اینکه او به علت ارتکاب جرم پیشین، محکوم، و مجازات و (به فرض) اصلاح شده است (مالتز، ۱۹۸۴: ۲۶). چنین پدیده ای همان گونه که «مالتز» به آن اشاره می کند بیانگر سلسله ای از ناتوانی ها و کاستی هاست از جمله بیانگر قصور فرد در انتخاب رفتاری موافق انتظارات جامعه، یا قصور او در مقاومت در برابر ارتکاب جرم، قصور او به عنوان یک مجرم جهت گریز از توقیف و محکومیت، ناتوانی فرد به عنوان یک مددجوی نهادهای اصلاح و تربیت جهت بهره مندی از برنامه های اصلاحی و تربیتی آنها، یا ناتوانی و قصور چنین نهادهایی جهت تمهید برنامه های بازپروری و همچنین بیانگر فرد در قالب استمرار فعالیت مجرمانه پس از آزادی است (غلامی، ۱۳۸۷: ۴۴). از نظر قانونی تکرار جرم همانند اکثر مفاهیم حقوق کیفری دارای تعریف اعتباری است و همین ویژگی وجه ممیز تکرار از تعدد جرم به حساب می آید و

براساس آن پاسخ به این پرسش که تکرار جرم چیست و تکرار کننده جرم کیست، در نظر گرفتن معیارها و متغیرهای گوناگونی که از سوی قانون گذاران مورد توجه قرار گرفته است، تفاوت می کند. در اینجا برخی از متغیرهایی که پذیرش آنها موجب ایجاد تعاریف متعدد از تکرار جرم و تکرار کنندگان آن شده است، اشاره می گردد (وروایی و پرنداخ، ۱۳۹۵: ۵).

الف) تکرار جرم حالت کسی است که محکوم به مجازات حبس شده در حالی که پیش از آن نیز سابقه یک بار بیشتر تحمل چنان مجازاتی را داشته است.

ب) تکرار جرم حالت کسی است که سابقه محکومیت به یک جنایت یا بیشتر و اکنون نیز به خاطر ارتکاب جنایت محکوم شده است.

ج) تکرار جرم حالت کسی است که مرتکب جرم خاص یا یکی از جرائم خاص شده، در حالی که قبلاً محکومیت به ارتکاب یکی از این جرائم یا جرم مشابه را داشته باشد.

د) تکرار جرم حالت کسی است که پس از محکومیت به ارتکاب یک جرم جنحه ای مرتکب جرم جنحه ای دیگری شده است (غلامی، ۱۳۸۷: ۴۴-۵۰).

بخش دوم: تکرار جرم در حقوق کیفری ایران

ماده ۲۴ قانون مجازات عمومی (مصوب ۱۳۵۲) ذیل عنوان «فصل پنجم-تکرار جرم» مقرر می داشت «هر کس به موجب حکم قطعی به حبس جنحه ای یا جنایی محکوم شده باشد و از تاریخ قطعیت حکم تا زمان اعاده ی حیثیت یا شمول مرور زمان مرتکب جنحه یا جنایت دیگری بشود، مشمول مقررات تکرار جرم خواهد بود». همان طور که ملاحظه می شود این ماده تکرار جرم را «ارتکاب جرمی پس از صدور حکم محکومیت قطعی کیفری تا زمان اعاده ی حیثیت یا شمول مرور زمان» می دانست. صرف نظر از غایت مشخص شده در این ماده که در این قوانین پس از انقلاب حذف شد و در جای خود جای بحث و بررسی دارد، بر اساس این ماده، اگر مرتکب جرمی پس از صدور حکم محکومیت قطعی کیفری، مجدداً

مرتکب جرم دیگری می گردید، مقررات تکرار جرم در مورد او اعمال می گشت. مقررات و احکام تکرار جرم از جمله نحوه تشدید مجازات نیز در مواد ۲۵ و تبصره های چهارگانه آن و نیز ماده ی ۲۶ این قانون پیش بینی شده بود. ماده ۲۵ این قانون مقرر می داشت: «در مورد تکرار جرم به طریق زیر رفتار می شود- اگر مجرم دارای سابقه محکومیت جناحی یا جنحه باشد و مرتکب جرم دیگری شود به بیش از حداکثر مجازات جرم جدید محکوم می گردد، بدون آنکه از یک برابر و نیم حداکثر مذکور تجاوز کند. در صورت وجود کیفیات مخفف دادگاه نمی تواند مجازات مرتکب را کمتر از یک و نیم برابر حداقل مجازات جرم جدید تعیین کرد. در صورتی که جرم جدید نظیر یکی از جرائم سابق مجرم اعم از شروع و مباشرت و شرکت و معاونت در جرم باشد، مجازات او بیش از حداکثر مجازات جرم جدید خواهد بود بدون آنکه از دو برابر حداکثر مذکور تجاوز کند و در این مورد دادگاه نمی تواند با رعایت کیفیات مخفف مرتکب را به کمتر از دو برابر حداقل مجازات جرم جدید محکوم نماید مگر آنکه دو برابر حداقل، بیش از حداکثر مجازات باشد که در این صورت به حداکثر محکوم خواهد شد».

بخش سوم: تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی

ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۰) ذیل عنوان «فصل چهارم - تکرار جرم» مقرر می دارد: «هرکس به موجب حکم دادگاه به مجازات تعزیری و یا بازدارنده محکوم شود، چنانچه بعد از اجرای حکم مجدداً مرتکب جرم قابل تعزیر گردد، دادگاه می تواند در صورت لزوم مجازات تعزیری یا بازدارنده را تشدید نماید.» تبصره این ماده هم مقرر می دارد: «هرگاه حین صدور حکم محکومتی های سابق مجرم معلوم نباشد و بعداً معلوم شود، دادستان مراتب را به دادگاه صادر کننده ی حکم اعلام می کند. در این صورت اگر دادگاه محکومیت های سابق را محرز دانست، می تواند طبق مقررات این ماده اقدام کند.» در این قانون هم مقنن جز آنکه شرط ارتکاب همان جرم قبلی را حذف کرده و در واقع تکرار عام جرم را پذیرفته است، تغییر ماهیتی دیگری در ماده به وجود نیاورده و تقریباً همان مقررهای قبلی در قانون راجعه به مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۶۱) را با همه ی ایرادهای وارد بر آن، در قانون مجازات اسلامی

(مصوب ۱۳۷۰) آورده است. در حالی که انتظار می رفت مقنن هم برای حالات ارتکاب جرم پس از صدور حکم محکومیت قطعی کیفری تا زمان اجرای کامل مجازات تعیین تکلیف کند و در واقع ابهام ناشی از تعارض بین تبصره و خود ماده را روشن سازد و هم آنکه معیاری برای تشدید مجازات در نظر بگیرد. با این وصف تمام ایرادهایی که به قانون راجع به مجازات اسلامی در این خصوص وارد بود به این قانون هم وارد است که البته همگی ناشی از قیاس نادرست و گزینشی برداری ناصائب قواعد تکرار از حرائم مستوجب حد است (غلامی، ۱۳۸۷: ۲۲۱)

بخش چهارم: عوامل اجتماعی موثر بر تکرار جرم

دورکیم در راستای تبیین کجروی و قانون گریزی معتقد است، هنگامی که آرزوهای انسان با امکان تحقق آنها هماهنگ نیست، فشارها موجب رفتار انحرافی نیرومندتری می شوند. وی موقعیتهای گوناگون از جمله رکود ناگهانی، رونق ناگهانی و تغییرات سریع را عنودا، می کند. مقصود او این بود که در این شرایط فرد آرزوهایی میکند که اگر رسیدن به آنها غیر ممکن نباشد، بسیار مشکل است. به زعم کارل مارکس بیشتر بزهکاری ها و رفتارهای قانون شکنانه به وسیله طبقات پایین انجام می شود و این نه به دلیل تمایل و علل روانشناختی مربوط به فقرا و طبقات پایین است بلکه به علت محدودیت هایی است که از طریق طبقه مسلط بر ابزار و نهادهای قدرت بر طبقات پایین و فقرا اعمال می شود. به زعم این نظریه وجود تضادهای گسترده در جامعه و طبقاتی شدن انسان ها، باعث می شود تا افراد طبقه پایین دچار از خود بیگانگی شوند و از خود بیگانگی که به معنی احساس از دست داد، کنترل بر زندگی اجتماعی است احتمال اعمال قانون گریزانه را برای فرد فراهم می آورد که به طور جاری انجام می شود. از نظر رکلز، فشار خارجی کنترل اجتماعی غیر رسمی است که یک گروه بر اعضای خود وارد می سازد. این کنترل شامل انتظاراتی است که گروه از اعضا در ایفای نقشهای مقرر دارد و نیز رعایت کلیه قوانین، روابط و هنجارهایی است که سبب بالا رفتن ارزش و مقام فرد نزد گروه می گردد. فشار داخلی اجزای خود هستند که به شخص قدرت و انگیزه مقاومت در

مقابل محرکهای کجروی، که خواه ناخواه زمانی آن را تجربه خواهد کرد، می دهد. معمولاً ترکیبی از کنترل‌های داخلی و خارجی بکار می روند تا فرد را از فعالیتهای انحرافی باز دارند. هنگامی که این کنترلها نتوانند بر روی فردی اعمال شوند، کجروی که نتیجه شکسته شد، کنترل‌های معمولی است پدید می آید (سخاوت، ۱۳۸۱: ۶۱). هیرشی در دو تحقیق خود، نوعی الگوی کنترل اجتماعی را ارائه داده است، الگویی که گاه نیز با نام نظریه پیوند از آن یاد می شود و پیدایش کجروی را معلول ضعف همبستگی در گروهها و نهادهای اجتماعی و نیز تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می شمرد. از نظر هیرشی، افراد از لحاظ درجه قبول ارزش ها و هنجارهای جامعه متفاوت اند. این تفاوتها به میزان پیوستگی افراد با نظام اجتماعی بستگی دارد. از نظر او بدین پیوند با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشروعیت اخلاقی رابطه ای وجود دارد و اعتقادات فرد نیز متأثر از پیوند با مدرسه، خانواده و جامعه است. به نظر مرتون، جوامع صنعتی جدید بر توفیقات مادی در زندگی تأکید دارند که به شکل انباشت ثروت و تحصیلات علمی، به عنوان مهمترین اهداف زندگی شخصی و معیارهای منزلتی تجلی می کنند. دستیابی به این اهداف مقبول اجتماعی نیاز به ابزارهای مقبولى هم دارد که البته از دسترس جمعی از افراد جامعه خارج است؛ یعنی جامعه طوری ساخت یافته که طبقات فرودست فرصتهای کمتری برای تحقق آرزوهای خود دارند.

فرض اصلی کوهن در تبیین قانون گریزی و کجرفتاری بر این است که افراد منحرف و بزهکار، آرمانها و اهداف مقبول اجتماعی فرهنگ جامعه را پذیرفته اند؛ ولی به علت شکست و یا عدم فرصت مناسب و کافی برای دستیابی به اهداف مقبول و پسندیده اجتماعی، دچار محرومیت شده و لذا آرمانهای موفقیت و اهداف مقبول و متداول در جامعه را با ارزشها و هنجارهای دیگری برای بدست آورد، منزلت و وجهه جایگزین می سازند و در نتیجه خرد فرهنگ بزهکاری بوجود می آید (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۳). شاو و مک کی، اصطلاح منطقه بزهکاری را ابداع کردند و می گویند ده در محله های فقیرنشین شهرها، رفتار بزهکارانه ی الگوی عادی است. در چندین مناطقی جوانان ارزشها و رفتارهای کجرو را یاد می گیرند و

درونی می کنند و در نتیجه جوانان بزهکار می شوند؛ زیرا آنها با افرادی دوستی و نزدیکی می کنند که خود بزهکار و منحرف بوده اند (هورتون و چستر، ۱۹۸۴: ۱۷۲). شاو و مک کی، خاطر نشان می سازند که میزان کجرفتاری با عوامل اقتصادی، دقیقاً تطبیق می کند. درآمدها از ناحیه ی به سمت ناحیه پنج به تدریج افزایش می یابد. نرخ بزهکاری به ترتیب از نواحی مرکزی به سمت نواحی کناری کاهش می یابد.

بخش پنجم: دانش و مهارت سازمانی پلیس برای پیشگیری از جرم

به موازات شکل گیری جامعه بشری و انتقال از جامعه سنتی به جامعه مدرن و تغییر در شیوهها و روشهای ارتکاب جرم، روش های مبارزه و مقابله با جرم نیز دستخوش تغییرات اساسی گردیده و همواره اندیشمندان حوزه جرم شناسی تلاش نموده اند تا با مطالعه علل و دلایل بروز و تکوین جرم بویژه در نقاط شهری که از نرخ جرم بالایی برخوردار هستند، راههای مناسب را برای مقابله با آن پیشنهاد دهند. امروزه مفهوم پیشگیری از جرم دستخوش تحولات اساسی شده و اکثر جرم شناسان رویکردهای غیر کیفری را در پیشگیری از جرم به جهت کم هزینه بودن، توجه به تمامی مولفه ها و دلایل بروز جرم و اثر ماندگار آن موثر دانسته اند. یکی از انواع پیشگیری های جدید، پیشگیری وضعی از جرم است که بر بزه دیده و محیط یا موقعیت جرم تمرکز نموده و مشارکت جامعه، به مفهوم عام شامل تمامی نهادها، سازمانهای دولتی و خصوصی و غیره را مورد توجه جدی قرار داده است. پلیس ایران نیز همگام با تغییر نگرشها و رویکردهای پیشگیرانه از جرم در جوامع مختلف، در یک دهه اخیر با تغییر از رویکرد سنتی به رویکرد جامعه محوری و به نوعی رویکرد سلبی به رویکرد ایجابی، قدمهای مهمی را به منظور تغییرات اساسی در ساختار سازمانی به منظور ایجاد زمینه های توسعه دانش پلیسی و مهارت کاربردی در برنامه های پیشگیری از جرم برداشته است. در شرایط کنونی جوامع بشری، خلق بهترین شرایط و بیشترین بهره وری سازمانها در گرو گسترش توانایی و پرورش کامل استعداد های درونی و بیرونی کارکنان است، حتی در بدترین شرایط از لحاظ محدودیت منابع انسانی (عالم تبریزی و رحیمی، ۱۳۸۷: ۴۶).

بخش ششم: دانش سازمانی پلیس

دانش به معنای درک، آگاهی یا شناختی است که در خلال مطالعه، تحقیق، مشاهده یا تجربه نسبت به جهان بیرونی در فرد ایجاد می شود (یمین فیروز، ۱۳۸۲: ۹۹). دانش، موجودیتی است که قابلیت ایجاد خود را دارد و از طریق باورهای ایجاد شده مبتنی بر اطلاعات قابل شنا سایی است (کروق، نانوکا و نی شیگاجی، ۲۰۰۰: ۳۸). دانش یک ترکیب روان از تجارب ساختارمند، ارزش ها، اطلاعات مبتنی بر شواهد و بینش کارشناسی می باشد که از طریق تعاملات اجتماعی میان افراد و سازمان ها بسته به یک زمان و مکان خاص خلق می شود (داونپورت و پورساک، ۱۹۹۸: ۶۵). اسپیکروت و واندر اسپیک (۱۹۹۷) دانش را به عنوان مجموعه تمام بینش ها، تجارب و شیوه هایی که صحیح و درست تلقی گردیده و بنابراین افکار، رفتار و ارتباطات مردم را هدایت می کند، تعریف می کنند. این قیاس بینش آفرین، یک رابطه منطقی بین دانش و سازمان ها ایجاد می کند و پارادیمی در جهت لزوم توجه به تفکر جمعی افراد درون سازمان به عنوان مشارکت کنندگان دانش، آغاز می گردد. این نوع از دانش «دانش سازمانی» نامیده می شود. دانش سازمانی دارای چرخه حیات است و در طی حیات خود، کشف، کسب، استفاده و در نهایت دچار اضمحلال و از رده خارج می شود (سیمینیوچ، ۲۰۰۴: ۸۰).

بخش هفتم: مهارت های مدیریتی

مهارت در فرهنگ دهخدا به معنی زیرکی و رسایی در کار و مهارت، تواناییهای استادی و زبردستی است (دهخدا، ۱۳۳۰: ۶۷۵۸) از نظر اشلات و مک فال، لازم برای انجام رفتارهای هدفمند و موفقیت آمیز است (اندرسون و راسموسن، ۲۳۲). بنابراین منظور از مهارت توانایی به کار بردن مؤثر دانش و تجربه شخصی است. ضابطه اصلی مهارت داشتن، اقدام و عمل مؤثر در شرایط متغیر است. رابرت کتز مهارت های لازم برای مدیران را به سه دسته مهارت های ادراکی، مهارت های انسانی و مهارت های فنی تقسیم بندی کرد. مهارت فنی یعنی دانایی و توانایی

در انجام دادن وظایف خاص که لازمه آن ورزیدگی در کاربرد فنون و ابزار ویژه و شایستگی عملی در رفتار و فعالیت است.

بخش هشتم: پیشگیری وضعی از جرم

پیشگیری یا جلوگیری کردن، به معنای پیش دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلو چیزی رفتن و هم به معنی آگاه کردن، خبر چیزی را رساندن و هشدار دادن است و در جرم شناسی، کاربرد فنون مختلف به منظور جلوگیری از وقوع بزهکاری است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹). کیزر (۱۹۸۹) پیشگیری از وقوع جرم را تدابیری می داند که با کمک آن وسعت شدت ارتکاب جرم، چه با کاهش فرصت ها و موقعیت های ارتکاب جرم و چه با تحت تاثیر قرار دادن مجرمان بالقوه و کل جامعه به حداقل می رسد.

بخش نهم: بررسی جزایی پیشگیری از جرم

مطالعات و یافته های تحقیقات در قلمرو تاریخ حقوق کیفری نشان می دهد که جوامع بشری برای مقابله با جرم عمدتاً از مجازات، آن هم از انواع شدید آن، استفاده می کرده اند (پیشگیری کیفری) به عنوان نمونه قانون «هیتی ها» یا «هی تیت ها» و قانون «حمورایی» که مربوط به حدود چهار هزار سال پیش است و حدود یک قرن پیش کشف شده اند، رژیم کیفری نسبتاً شدیدی را البته با درجه های متفاوتی برای حمایت از ارزش ها غالب و حاکم در جوامع خود و نیز مبارزه با متجاوزان به این ارزش ها پیش بینی کرده بودند. اما به حکایت همین یافته های حقوق کیفری و مکاتب مختلف فلسفی - کیفری، این شدت و حدت نظام کیفری نتوانسته است آن طور که انتظار می رفته است، منحنی جرائم را مهار کند یا آن ها را از میان ببرد. توگد رشته های انسان شناسی جنایی و سپس جرم شناسی در ربع آخر سده نوزدهم تا حد زیادی به دنبال شکست نظام کیفری در مهار موج بزهکاری بوده است. موضوع جرم شناسی یعنی علم جرم، بررسی ماهیت و فرآیند تکوین جرم یا به عبارت دیگر علت شناسی جرم است.

بخش دهم: اهمیت پیشگیری از جرم در اسلام

در تعالیم دین اسلام پیشگیری از جرائم اهمیت و جایگاه ویژه ای دارد. بررسی متون فقهی نشان می دهد که دین اسلام برای پیشگیری از وقوع هر دسته از جرائم، تعالیم خاصی ارائه کرده است، به طور مثال برای پیشگیری از ربا دادن و گرفتن که در میان بسیاری از کشورها رایج شده است، قرض الحسنه را برای حل مشکلات مردم پیش بینی کرده و با ضمانت اجرای سنگین ربا را منع نموده است. برای جلوگیری از انحرافات جنسی (زنا کاری و فحشا) آسان گیری در امر ازدواج را ترویج کرده است. از تعالیم بسیار مؤثر اسلام در پیشگیری از بزهکاری، امر به معروف و نهی از منکر و پاسخ های مردمی به جرائم و کزروی های اجتماعی است. به طور مسلم در صورتی که این اقدام ها به طور صحیح اعمال شود، نتایج بسیار مثبتی به بار می آورد. امر به معروف و نهی از منکر باید خصوصیتی داشته باشد که مهم ترین آن ها موافق بودن قول و عمل، آزادگی و آزاد مردی، شرح صدر، آشنایی با معروف و منکر، حسن خلق و پرهیز از سخن مبهم است. امر به معروف و نهی از منکر از ابزار قوی برای ترسیم سیاست جنایی کشورهای اسلامی است و باید در برنامه ریزی سیاست جنایی از آن بهره برداری نمایند. (کیزر، ۱۹۸۹: ۲۳۱).

بخش یازدهم: پیشگیری از جرم در قوانین

کنگره پنج ساله سازمان ملل متحد تحت عنوان «پیشگیری از جرم و اصلاح بزهکاران» و یکی از کمیسیون های فنی شورای اقتصادی و اجتماعی این سازمان نیز تحت عنوان «کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری» نام گذاری شده است. «کمیته اروپایی مسائل جنایی» شورای اروپا در همایش ها، قطعنامه ها، و توصیه نامه های خود پیشگیری را از اولویت های سیاسی جنایی در اروپا می داند. امروزه در سطح داخلی نیز دولت ها کمیسیون یا کمیته یا شورای خاصی را به عنوان متولی و مسئول پیشگیری از بزهکاری ایجاد نموده، مدیریت آن را به وزارت کشور (مثلاً در انگلستان) یا به وزارت دادگستری (مثلاً در نروژ، دانمارک) یا به

طور مشترک به دو وزارتخانه کشور و دادگستری (مثلاً در هلند) یا به صورت مدیریت مشترک به نمایندگان جمعی از وزارتخانه‌ها (مثلاً در فرانسه) یا مستقیماً به سازمان پلیس (مثلاً در قبرس) محول می‌کنند یا بعضی کشورها نهاد مستقلی را برای اداره و هدایت امر پیشگیری ایجاد می‌نمایند.

بخش دوازدهم: پیشگیری از جرم در قانون اساسی

قانون جمهوری اسلامی ایران پیشگیری از جرم را در اصل ۱۵۶ قانون اساسی به طور صریح و در اصل ۸ به طور غیر مستقیم، مطمح نظر قرار داده است که این موضوع نشانگر اهمیت و نقش اساسی پیشگیری از جرم به عنوان یکی از ابزارهای مهم کنترل جرایم است. در اصل ۱۵۶ ق.ا.ج.ا. چنین آمده است: «قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعديات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند؛

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع؛

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین؛

۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام؛

۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین (کیزر، ۱۹۸۹: ۲۳۴).

بخش سیزدهم: روش‌شناسی تحقیق

به طور کلی این پژوهش بر حسب هدف از نوع تحقیقات کاربردی و از لحاظ روش‌شناسی از نوع تحقیقات مقطعی، توصیفی - تحلیلی است. به این دلیل کاربردی است که با استفاده از

نتایج تحقیق می توان بررسی تاثیر ویژگی های شخصیتی در پیشگیری از تقلب بهره برد و به این دلیل توصیفی است که مطالعه وضعیت میزان تاثیر مهارت های فردی و پیشگیری وضعی پلیس در تکرار جرم مد نظر است. و از این جهت که در جهت بررسی تاثیر میزان تاثیر مهارت های فردی و پیشگیری وضعی پلیس در تکرار جرم از نوع تحلیلی است. در این پژوهش باتوجه هدف تحقیق که به بررسی تاثیر تاثیر مهارت های فردی و پیشگیری وضعی پلیس در تکرار جرم می باشد جامعه آماری مطالعه شامل کلیه کارکنان ناجا استان. ک و ب می باشد که مجموع آن مطابق بررسی صورت گرفته ۴۰۰ نفر می باشد روش های مختلفی برای تعیین حجم نمونه وجود دارد. در این پژوهش از فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه استفاده شده است.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right]} = 199/742$$

با گرد کردن عدد بدست آمده از فرمول کوکران؛ حجم نمونه انتخابی برای تحقیق حاضر برابر با ۲۰۰ می باشد. در خصوص انتخاب اعضای نمونه نیز از روش نمونه گیری تصادفی ساده استفاده می گردد.

تجزیه و تحلیل داده های تحقیق در نرم افزار spss نسخه ۲۴ انجام گردید. یافته های پژوهش در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام گردید. در بخش توصیفی، توزیع فراوانی ویژگی های جمعیت شناختی پاسخ گوینان، شاخص های مرکزی (میانگین) و پراکندگی (مینیم-ماکزیمم- انحراف معیار) به همراه جداول و نمودارها ارائه شده است. در بخش استنباطی، ابتدا با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، نرمال بودن داده های تحقیق مورد سنجش قرار می گیرد و در ادامه، با استفاده از آزمون تی- تک نمونه ای، فرضیات (سوال)های تحقیق بررسی می شود.

در این فصل قسمت با گردآوری، استخراج، دسته‌بندی و نظم و ترتیب دادن داده‌های موردنیاز به تایید یا رد فرضیه‌های مربوط به تجزیه و تحلیل تمامی داده‌های حاصل از نظرات و دیدگاه‌های حسابداران شرکت‌های متوسط و کوچک در استان کهگیلویه و بویراحمد می‌پردازد. بدین‌صورت که محقق با ارائه نتایج عددی به دست آمده حاصل از محاسبات آماری و همچنین ارائه جدول‌های توزیع فراوانی و همچنین نمودارهای آماری به تشریح کامل ماحصل آنچه این تحقیق به دنبال آن بوده می‌پردازد. در این فصل با استفاده از روش‌های آماری مناسب، داده‌های جمع‌آوری شده مورد توصیف و تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش در دو قسمت زیرارایه می‌شوند الف: یافته‌های توصیفی ب: یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش.

داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد که تعداد آزمودنی‌های مرد ۱۷۲ نفر (۸۶ درصد) و تعداد آزمودنی‌های زن ۲۸ نفر (۱۴ درصد) می‌باشد که نشان می‌دهد تعداد مردان و بسیار بیشتر از زنان است.

جدول ۱: توزیع فراوانی آزمودنی‌ها به تفکیک جنس

جنس	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
مرد	۱۷۲	۸۶٪	۸۶٪
زن	۲۸	۱۴٪	۱۰۰٪
جمع کل	۲۰۰	۱۰۰٪	

داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که تعداد آزمودنی‌های مجرد ۳۴ نفر (۱۷٪) و تعداد آزمودنی‌های متأهل ۱۶۶ نفر (۸۳٪) می‌باشد که نشان دهنده آمار بالای متأهلین می‌باشد.

جدول ۲: توزیع فراوانی آزمودنیها به تفکیک تاهل

تاهل	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
مجرد	۳۴	۱۷٪	۱۷٪
متاهل	۱۶۶	۸۳٪	۱۰۰٪
جمع کل	۲۰۰	۱۰۰٪	

داده های ارایه شده در جدول ۳ نشان می دهد که بیشترین فراوانی در بعد تحصیلات مربوط به افراد با مدرک کارشناسی ۱۳۶ نفر (۶۸٪) و بعد از آن افراد با مدرک کارشناسی ارشد ۴۶ نفر (۲۳٪) و بعد افرادی که مدرک کاردانی با ۱۶ نفر (۸٪) و در آخر افراد با مدرک دکتر ۲ نفر (۱٪) می باشد.

جدول ۳: توزیع فراوانی آزمودنیها به تفکیک تحصیلات

شاخص آماری تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
کاردانی	۱۶	۸٪	۸٪
کارشناسی	۱۳۶	۶۸٪	۷۶٪
کارشناسی ارشد	۴۶	۲۳٪	۹۹٪
دکتری	۲	۱٪	۱۰۰٪
جمع کل	۲۰۰	۱۰۰٪	

داده های جدول ۴ نشان می دهد که بیشترین فراوانی مربوط به پست سازمانی آزمودنیها مربوط به پلیس پیشگیری با ۹۰ (۵۵٪) و پلیس آگاهی با ۱۱۰ نفر (۴۵٪) در رتبه های بعدی هستند.

جدول ۴: توزیع فراوانی آزمودنیها به تفکیک پست سازمانی

پست سازمانی	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
پلیس پیشگیری	۹۰	۴۵٪	۴۵٪
پلیس آگاهی	۱۱۰	۵۵٪	۱۰۰٪
جمع کل	۲۰۰	۱۰۰٪	

جدول ۵: آمار توصیفی متغیر مهارت فردی موثر بر تکرار جرم

شاخص آماری	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
متغیر					
مهارت فردی موثر بر تکرار جرم	۲۰۰	۷۷/۱	۸۷/۳	۱۰۹۰/۳	۳۵۵۷۱/۰

داده های جدول ۵ میانگین، انحراف معیار، کمترین، بیشترین و دامنه برای مهارت فردی موثر بر تکرار جرم را نشان می دهد. بر اساس جدول ۶، میانگین میزان تاثیرگذاری پیشگیری وضعی موثر بر تکرار جرم (۳/۰۲) بالاتر از حد متوسط می باشد. هم چنین بر اساس t به دست آمده (۹/۱۰) در درجه آزادی ۱۹۹، تفاوت معناداری بین میانگین تاثیرگذاری پیشگیری وضعی موثر بر تکرار جرم و میانگین نظری وجود دارد. لذا پیشگیری وضعی بر تکرار جرم تاثیر مثبت معنادار دارد. (فرضیه دوم تایید گردید).

جدول ۶: نتایج آزمون فرضیات تحقیق

میانگین نظری: ۳				
شاخص	میانگین معیار انحراف $\pm$	آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری
مهارت فردی موثر بر تکرار جرم	$۴۰/۳ \pm ۶۲۹/۰$	۱۰/۹	۱۹۹	۰۰۰۰/۰
پیشگیری وضعی موثر بر تکرار جرم	$۶۴/۰ \pm ۰۲/۳$	۲۵/۱	۱۹۹	۲۱۲/۰

نتیجه گیری

پلیس در یک دهه اخیر به لحاظ تغییر رویکردهای سازمانی در برنامه های پیشگیرانه از جرم و اتخاذ راهبردهای جامعه محوری، جلب مشارکت عمومی و رویکردهای چند نهادی در پیشگیری از جرم را دنبال می نماید و در برنامه های پیشگیری وضعی از جرم بر پایه داده های جرمی و شناسایی مناطق جرم خیز و دارای فراوانی فرصت جرم، گشت های انتظامی محسوس و غیر محسوس خود را به منظور کاهش و حذف فرصت های جرم برای مهار و پیشگیری جرم سازماندهی می نماید. اگرچه بخش اعظم برنامه های پیشگیری وضعی منوط به مشارکت و فعالیت تمام نهادهای شهری و جامعه محلی است، لیکن پلیس با داشتن مهارت های مورد نیاز و دانش پلیسی پیشگیرانه بهتر می تواند برنامه های پیشگیرانه از طریق مداخله در محیط و شرایط جرمی را مستقلاً و یا با مشارکت جامعه محقق سازد. از سوی دیگر آنچه بی شتر مورد تاکید مصاحبه شوندگان قرار داشته، توسعه مهارتها و دانش پلیسی در تمام سازمان به ویژه مدیران اجرایی و کارکنان بود تا بتوان با کاهش ناهماهنگی بین مهارتها و دانش پلیسی، اقدامات کیفی تری را در برنامه های پیشگیری وضعی از جرم انجام داد.

منابع و مآخذ

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۰). لغت نامه فارسی. تهران: افست گلشن.
- سखाوت، جعفر (۱۳۸۱). بررسی عوامل موثر بر ناهنجاری های رفتاری دانش آموزان استان لرستان. فصلنامه جامعه شناسی ایران، ۱۴.
- عالم تبریزی، اکبر و محمد رحیمی، علیرضا (۱۳۸۷). مدیریت دانش و برنامه ریزی منابع سازمان. تهران: انتشارات صفار.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵). بیگانگی، مانعی برای مشارکت و توسعه. نامه پژوهش. ۱(۱)، تهران.
- وروایی، اکبر و پرنداخ، عمران (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر تکرار جرم (مطالعه موردی، شهر کرمانشاه). فصلنامه علوم اجتماعی. ۱(۳): ۱-۲۸.
- یمین فیروز، موسی (۱۳۸۲). دانش و مدیریت دانش در سازمان ها. مجله مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، شماره ۵۳، صص ۹۷-۱۰۸.
- نجفی؛ ابرندآباد علی حسین، گلدوزیان، حسین (۱۳۹۷). جرم شناسی پست مدرن و رویکرد آن به جرم و علت شناسی جنایی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و ایارگر، حسین (۱۳۹۳). نظارت بر مجرمان خطرناک: چالشها و راهکارها. پژوهش حقوق کیفری
- نجف ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۷). پیشگیری از بزهکاری و پلیس (درآمدی بر پیش همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم). تهران: دفتر تحقیقات کاربردی ناجا

نجفی؛ ابرندآباد علی حسین ، گلدوزیان، حسین (۱۳۹۷). جرم شناسی پست مدرن و رویکرد آن به جرم و علت شناسی جنایی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری

دکتر حسین غلامی(۱۳۸۳). پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعیو مجله پژوهش حقوق و سیاست

کوزر، لوئیس؛ روزنبرگ، برنارد(۱۳۸۷). نظریه های بنیادی جامعه شناختی. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی.

Maltz, Michael. (۱۹۸۴). Recidivism. New york: Academic press, INC.

۲۷- Stones.R.; (۱۹۹۸). Key sociology thinker; London: Mac Millan Press, UK.

Davenport,T. &. Prusak,L. (۱۹۹۸). Working knowledge: how organizations manage what they know. Boston: Harvard Business School Press.

Andersen Helle, Erik S. Rasmussen (۲۰۰۴). The roll of language skills in corporate communication. Corporate communication international journal; ۹(۳): ۲۳۱-۲۴۲.

Siemieniuch, C. E., Sinclair, M. A. (۲۰۰۴). A Framework for Organizational Readiness for Knowledge Management. International Journal of Operations and Production Management; ۲۴(۱): ۷۹-۹۸

Nonaka,Ikujiro, Von Krogh, George and Nishiguchi, Toshihiro (۲۰۰۰), Knowledge creation. A source of value. Published by Antony Row ltd